

## جاذبه رسانه برای مخاطب

### چکیده

مهدی شفیق<sup>۱</sup>

در شرایطی امروزی جذب مخاطب، برای پیام‌رسان و پیام‌دهنده باید در اولویت برنامه‌های تبلیغاتی قرار بگیرد به صورت علمی مبلغان که با این رویکرد قدم به عرصه رسانه جهانی می‌گذارد باید کاری کند که رسانه مبلغ؛ برای مخاطب جاذبه داشته باشد. رعایت این امر، باعث می‌شود که از همان لحظه‌های آغازین گفتار یا نوشتار، مخاطبان، جذب مفاهیم یا موضوعات شده و تا پایان ارتباط تأثیرگذار و تمام‌عیار با فرستنده پیام برقرار نمایند و در خود نوعی روشنگری نسبت به خواسته‌هایشان احساس نموده و هر بحثی را پاسخی به پرسش‌های خود دانسته و فرستنده پیام را دارای سلیقه خوب شایسته دیدگاهی نو و باخبر از نیازهای روز و صاحب‌نظر در مسائل فکری فرهنگی امروز و فردای جامعه ببینند. پروردگار حکیم این ویژگی ضروری مبلغ را تحت عنوان «بصیرت» یاد کرده و به رسول خدا چنین می‌فرماید: «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی» یوسف؛ ۱۰۸)

بگو این است راه من که من و هر کس پیروی ام کرد با بصیرت و بینائی به سوی خدا دعوت می‌کنیم. اساساً برای توانمندگری در هر کاری انسان نیازمند به تصور و آگاهی است. از این رو شناخت و بینش صحیح در امر جوانان برای هدایت و راهنمایی آنان یک امر ضروری و واجب است. حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «من علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح» (الکافی ج ۱؛ ۴۴) «هر که بدون دانش وارد کاری شود بیشتر مایه فساد است تا اصلاح»

واژه‌های کلیدی: مخاطب، رسانه، جاذبه، پیام‌رسانی و ارتباطات.

---

<sup>۱</sup> کارشناسی تبلیغ و ارتباطات.

## مقدمه

ابتدائی و اساسی‌ترین گام برای یک مبلغ دینی در جهت برقراری یک ارتباط زنده و پویا شناسایی ویژگی‌های روحی و توانایی‌های جوان است.

نوجوانی نوروز عمر انسان و مرز ناپیدای کودکی و جوانی و آغاز فراز و نشیب‌های روحی، جسمی، تحصیلی، اجتماعی و فرهنگی خواهر بود. نیاز به همدل و همراه، تخلیه انرژی تراکم بدن، دغدغه‌های روانی نسبت به موفقیت یا شکست در تحصیل، ورود آرام به جامعه و پیدا کردن شخصیت و موقعیت اجتماعی و هجوم پرشتاب و رعدآسای پرسش‌های فکری فرهنگی از آثار پیدا و ناپیدای این دوره است. «هدف آفرینش» و «علت خلقت» از سان‌ها توسط خداوند پرسش نخستین جوانان در ذهن آنان بوده و تحول‌های خودآگاه و ناخودآگاهی که در تمام اعضای وجود خود حس می‌کنند گاه آنان را با نوعی ترس و اضطراب روبه‌رو می‌سازد. برخورد آگاهانه و پر بینش یگانه راه جذب و اطاعت آنان خواهد بود. در غیر این صورت عکس‌العملی جز پرخاش، فریاد، لجبازی، مخالفت‌های پی‌درپی و درگیری مداوم با دیگر اعضای خانواده در پی نخواهد داشت. نوجوان با برخورد دوگانه اطرافیان روبه‌رو می‌شود. گاه او را کودک می‌پندارند چون دیروز او کودکی بوده است و گاه او را با توجه رشد سریع جسمانی‌اش به چشم فردی بزرگ و قابل قبول در جامعه به حساب می‌آورند و این دوگانگی چون سوهان خشنی روح او را می‌ساید و او را وادار می‌کند در برخی صحنه‌ها حرکات تند و بی‌هدفی را انجام دهد تا ثابت کند که از دیگران چیزی کم ندارد و برای حضور در جامعه آماده است.

بی‌شک نگرانی و دلواپسی خانواده‌ها از نوجوانان خود به خاطر این‌گونه حرکات کاملاً بی‌مورد است زیرا این برخوردها طبیعی و به مقتضای سن اوست. از آن سو فشارهای بی‌مورد و سخت‌گیری‌های شتابزده آثار سوئی به همراه خواهد داشت. به دنبال نوروز نوجوانی، بهار جوانی از راه می‌رسد با ویژگی‌های فراوان، متفاوت و گاه متضاد در ابعاد متنوع و گوناگون.

اینک به برخی از ویژگی‌های جوانان از نگاه پیشوایان می‌پردازیم:

### ۱. آموزش‌پذیری

طبیعت از سان در دوران جوانی از قابلیت یادگیری و آموزش‌پذیری بیشتری برخوردار است زیرا فکر و دل جوان هنوز دچار دل‌مشغولی‌های روزگار و مسائل متنوع فردی و اجتماعی نگشته است.

قلب و دل جوان مانند زمین آماده کشتی است که هر دانه‌ای را می‌پذیرد و می‌پروراند. امام علی (علیه‌السلام) در وصیت خود به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) نوشته است:

«وانما قلب الحدث كالارض الخاليه ما القى فيها من شى قبلته فبادرتك بالادب قبل ان يقسو قلبك و يشتغل لبك لتستقبل بجد رأيك من الامر...» (دستی؛ ۵۲۵، ۱۳۸۰)

قلب و دل جوان مانند زمین خاکی از کشت است که هر چه در آن انداخته شود قبول می‌کند. از این رو قبل از این که دل تو سخت و فکر تو مشغول شود و در تربیت تو سرعت گرفتم تا با تمام اندیشه‌ات به استقبال آینده بروی.

این ویژگی در دوران آغازین عمر آن‌چنان بی‌طرف و فعال است که قدرت‌گزینش داده‌های محیطی را از جوان می‌گیرد و این وظیفه اولیای جوانان و مبلغان دینی است که مواظب باشند قلب جوان محل کشت شیطان صفتان نگردد و با سرعت و با در نظر گرفتن اولویت در موضوعات آموزشی روح تشنه او را سیراب کنند، در غیر این صورت روح جوان در اثر گذر ایام و بالا رفتن سن و گرفتار شدن به مشغولیات زندگی و آموزش‌های غلط سخت و غیرقابل انعطاف می‌گردد. «فطال علیهم الامد فقسست قلوبهم» (حدید؛ ۱۶)

### ۲. رشد همراه تعقل

عقل جوان مانند جسم او در یک حرکت همه‌جانبه پیوسته رو به رشد و تکامل است. عقل دارای دو نوع رشد است:

الف: رشد طبیعی (فیزیکی) که طبق برخی روایات اسلامی تا ۳۵ سالگی و طبق برخی دیگر از روایات تا ۲۸ سالگی است. ژان پیاژه روانشناس سوئیسی نهایت رشد فیزیکی ذهن را تا ۱۵ سالگی می‌داند و بعد از آن، آنچه بزرگ سالان را از نوجوانان متمایز می‌سازد را کم‌وزیاد بودن تجربه می‌داند.

ب: رشد اکتسابی (تجربی) که بر اثر آموزش و دریافت‌های علمی و تجربی صورت می‌گیرد و هر چه اندوخته‌های علمی از سان بیشتر می‌شود نیروی عقل نیز از توان بیشتری برخوردار می‌گردد.

چون هم جریان رشد مانند هر جریان تکاملی دیگر تدریجی و زمان بر است و هم جریان آموزش، در مورد جوان باید به دو ویژگی خاص او توجه داشته باشیم: ۱. نقص عقل ۲. نقص دانش. چراکه در این جریان تکاملی او هنوز در آغاز این سیر است و نه عقل او به تکامل رسیده است و نه دانش او و وجود نقص لازمه هر حرکت تدریجی و تکاملی است. در یک حرکت تکاملی، فرد مرحله قبل را که دارای نقص است رها می‌کند و وارد مرحله بعدی که کامل‌تر از مرحله قبل و ناقص‌تر از مرحله بعد است می‌شود. امام علی (ع) با توجه به طبیعی بودن نقص دانش در بین جوانان می‌فرماید: «جهل الشباب معذور و علمه محصور» (آمدی، غررالحکم، ج ۱، ۳۷۲) جهالت جوان عذری پذیرفته دارد و دانش او ناچیز است.

و در مورد نقص عقل می‌فرماید: «العقل غریزة تزید بالعلم و التجارب» (همان) عقل نیرو و غریزه‌ای است که بر اثر دانش و تجربه بیشتر می‌گردد.

البته قبول این مسئله از طرف جوانان کمی سخت به نظر می‌رسد اما اگر آن‌ها خود را بشناسند و این حقیقت را باور کنند که در مقابل احساسات نیرومند و آتشین آن‌ها برعکس چراغ عقل و دانششان ضعیف و کم‌فروغ است و بین عقل و احساساتشان توازن وجود ندارد و این عدم توازن بزرگترین پرتگاه زندگی آنان است، از طرف دیگر این چراغ کم‌فروغ در اکثر

اوقات دستخوش طوفان عواطف و هیجانات و احساسات می‌گردد، افکار و تخیلات غیر واقعی، اوهام و افسانه‌های ناشدنی و گاه اختلالات روحی و آشفته‌گی‌های روانی نیز به آن حمله‌ور می‌شوند چه بسا برنامه‌های تربیتی مربیان را با علاقه‌مندی و صمیمیت بیشتری بپذیرند و به کار ببندند.

### ۳. پاک‌دلی طبیعی

نازک قلبی و پاک‌دلی از فضایل مهم اخلاقی است که به‌طور طبیعی در نهاد جوانان مایه تمایل ایشان به سوی خیر و نیکی است. هر چه از سان از دوران جوانی فاصله می‌گیرد قلب او غلیظتر و غیرقابل انعطاف‌تر می‌گردد. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: اوصیکم بالشبان خیرا فانهم ارق افنده ان الله بعثنی بشیرا و نذیرا فخالفنی الشبان و خالفنی الشیوخ ثم قرأ (فطال علیهم الامد فقسست قلوبهم) (قمی، عباس، ۲۷، ۱۳۷۴)

درباره جوانان به خیر و نیکی سفارش می‌کنم، چراکه قلب آنان رقیق و مهربان است. خداوند مرا برای بشارت و بیم دادن فرستاد که جوانان با من موافق شدند و پیران به مخالفت پرداختند سپس آیه ۱۶ از سوره حدید را قرائت نمود. عمرشان طولانی شد، پس دل‌هایشان قساوت پیدا کرد.

رقت قلب مایه هدایت و گرایش به حق، عفو و گذشت و در نتیجه مایه سازندگی اجتماع خواهد بود. هنگامی که از امام صادق (ع) پرسیده شد که چرا وقتی فرزندان حضرت یعقوب (ع) از او طلب بخشش کردند او گفت: در آینده (سحر شب جمعه) برای شما طلب بخشش می‌کنم ولی حضرت یوسف در برابر طلب بخشش برادران خویش بلافاصله ایشان را بخشید؟ یکی از پاسخ‌هایی که امام دادند این بود که: «لان قلب الشبان ارق من قلب الشیخ» (صدوق، ۱۳۸۰، ۵۴) زیرا قلب و دل جوان نازک‌تر و نرم‌تر از قلب فرد پیر است.

آنچه می‌تواند این ویژگی را حفظ کند و از تبدیل آرام و پنهانی آن به قساوت قلب جلوگیری کند پرهیز از محیط‌های آلوده و انواع گناهان جوارحی و جوانحی و آموزش‌های غلط و ناهماهنگ با فطرت جوان است.

#### ۴. حق طلبی

نوجوانان در سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی دارای اعتقادات مذهبی بیشتری هستند و در صورت تلاش خانواده و اجتماع، اعتقادات مذهبی در آن‌ها می‌تواند تثبیت شود و الا تحقیقات نشان می‌دهد که در ۱۸ سالگی این اعتقادات کاهش می‌یابد.

بنا بر گفته موريس دبس در این دوران نوعی بیداری مذهبی حتی نزد کسانی که سابقاً به مسائل مذهبی لاقید بودند دیده می‌شود. دگرگونی و گرایش به مذهب را می‌توان بخشی از توسعه شخصیت نوجوان دانست. جوانان در این سن به دنبال فلسفه‌ای برای زندگی خود هستند و درباره وجود خود و جهان نیازمند پاسخ‌اند و طبعاً پاسخ را در مذهب جستجو می‌کنند. در اینجا نقش والدین و مربیان و روحانیون بسیار خطیر است زیرا بنا بر گفته موريس دبس ارزش‌های اخلاقی در دوران بلوغ در وجود سرمشق‌های انسانی متجلی می‌شود و به صورت انسان‌هایی بروز می‌کند که نوجوان سعی می‌کند به هیئت آن‌ها درآید. اگر سرمشق‌ها رفتار مناسبی نداشته باشند نوجوان نسبت به ارزش‌های اخلاقی سست و حتی بی‌تفاوت می‌شود. وجود این نمونه‌های عملی می‌تواند نوجوان را مؤمن سازد و یا او را از راه بدر برد و گمراهش نماید. گرایش جوانان به مذهب بر اساس گرایش فطرت پاک آنان به فضایل اخلاقی و ندای حق است. این خواهش عمیق و طبیعی نوجوان و جوان به سجایای اخلاقی و معرفت الهی سبب شده است که روانشناختان این دوران را دوران ماوراء طبیعت بنامند. (احمدی؛ ۶۵، ۱۳۸۲)

امام صادق (علیه‌السلام) به ابوجعفر احوال که از اصحاب و مبلغان دین بود فرمود:

«علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر» (کلینی، ۹۳، ۱۳۶۳)

به جوانان رو کن و ایشان را تبلیغ نما چراکه ایشان به‌سوی هر خیر و نیکی بیشتر سرعت می‌گیرند.

#### ۵. زود فهمی

در برخی از اخبار و آثار اسلامی جوانان از جهت ذهنی تیزتر و دقیق‌تر از بزرگ‌ترها معرفی شده‌اند به‌گونه‌ای که حتی سفارش شده در صورت نیاز به مشورت در مرحله اول از جوانان نظرخواهی کنید و بعد نظر آنان را به پیران باتجربه عرضه کنید تا آنان برر سی کرده و نظر نهایی را انتخاب کنند.

#### ۶. شور و زیبای

جوانان دارای شور و نشاطی ویژه‌اند که در برخی از روایات از آن تعبیر به «شرة الشباب» شده است. تمایل به زیبایی و جمال یکی از خواہش‌های فطری بشر است. انسان از دیدن مناظر زیبا لذت می‌برد. استعداد درک زیبایی‌ها مانند استعداد های دیگر در نهاد انسان بالقوه موجود است و با پرورش عواطف و احساسات و ترقی سطح دانش و فرهنگ او، شکفته و متعالی می‌گردد. مردم علاقه دارند همه چیز و همه‌جا زیبا باشد، لباس زیبا بپوشند، روی و موی خود را زیبا بیاریند، روی مبل قشنگ بنشینند، غرق گل‌های رنگارنگ باشند و... دین مقدس اسلام هم در ضمن پرورش کلیه تمایلات فطری بشر، این میل فطری را هم مورد حمایت قرار داده و استفاده از زیبایی‌های طبیعی و مصنوعی را به پیروان خود اکیدا توصیه نموده است. به‌کارگیری رنگ استفاده از روغن برای حفظ طراوت چهره و بدن، جامه زیبا پوشیدن، مسواک زدن، معطر بودن، خود را آراستن در حال عبادت و در مواقع معاشرت با مردم، در مسجد یا در محیط خانواده از نمونه‌های آرایش و بهداشت است که اسلام به آن سفارش کرده است.

آنچه مهم است این است که این میل فطری در حد متعادل ارضاء گردد. زیاده‌روی در ارضاء این خواہش فطری جوان را به خود باختگی، لالایی و بی‌هویتی فرهنگی سوق

می‌دهد. امام علی (ع) می‌فرماید: «قل من تشبهه بقوم الا او شک ان یکون منهم» (دشتی، ۱۳۸۰، حکمت ۲۰۷) کمتر کسی خود را شبیه گروهی کرده است که از همان گروه نگشته باشد.

البته همان‌طور که قبلاً ذکر کردید جوانان علاوه بر تمایل به زیبایی‌های ظاهری به زیبایی‌های باطنی و سجایای انسانی و اخلاقی هم علاقه‌مندند و حتی عشق به زیبایی‌های معنوی در آنان قوی‌تر از عشق به زیبایی‌های ظاهری است. به همین دلیل از زیبا صورتانی که سیرت زشت دارند به شدت نفرت پیدا می‌کنند و برعکس افرادی که دارای فضایل اند ولی از زیبایی چهره بی‌بهره‌اند کانون عشق و توجه آن‌ها واقع می‌شوند.

## ۷. نوگرایی

انسان فطرتاً از ظواهر جدید، مناظر بکر و تازه لذت می‌برد: «لکل جدید لذة» این روحیه نوگرایی در دوران جوانی حالت شتاب‌داری به خود می‌گیرد. جوان پیوسته از ظواهر جدید، مدل‌ها و الگوهای نو در رفتار، گفتار پوشش ظاهری و حتی افکار و پندار لذت می‌برد. حضرت علی (ع) درباره جوانان و رعایت این روحیه می‌فرماید: «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم». (همان، حکمت ۱۰۲) جوانان خود را به رعایت آداب و رسوم خودتان مجبور نکنید چراکه ایشان برای زمانی غیر از زمان شما به وجود آمده‌اند.

در حقیقت نوگرایی همان حرکت ب‌همراه زمان است به این صورت که مردم با گذر زمان و تغییر آن مبتلا به نوعی تغییر و تحول در شیوه‌های زندگی هستند چراکه هر زمان دارای مقتضیات ویژه خود است به همین دلیل امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الناس بزمانهم اشیه منهم بآبائهم» مردم به زمانشان بیشتر از پدرانشان شباهت دارند. در ارضای این میل فطری نیز باید حد اعتدال رعایت گردد و در ارضاء آن نباید آن‌چنان افراط کرد که یک‌باره تمام آداب و رسوم کهن را بی‌ارزش قلمداد نمود و به تقلید از جوامع دیگر پرداخت. تجدد و



نوگرایی در تمام روش‌های نسل‌های قبل مطلوب نیست بلکه فقط در فرض ضرورت و نیاز و با در نظر گرفتن هویت ملی و فرهنگی و حفظ خواسته‌های فطری و رعایت احکام ثابت اخلاقی و دینی نوگرایی مطلوب و اجتناب‌ناپذیر است.

### نگرش جوان به دین و مبلغان دینی

جوانی با اینکه دنیای غرور و قدرت است در عین حال دنیای تسلیم محض نیز است. جوانی دنیای آرزو و رویا، ناکامی و شکست و گاه پیروزی‌هاست. تضاد و تناقض‌های بسیار، سراب‌ها و گرداب‌های فراوان فشارهای خانواده و جو روانی جامعه نسبت به ورود به بازار کار یا دانشگاه، جوان را تحت فشار قرار می‌دهد و گاهی حساسیت‌های سنی و بی‌توجهی‌های اطرافیان و آشنایان ناراحتی‌های روحی روانی برای او فراهم می‌کند. در میان این طوفان تند امواج متلاطم هر کس که اولین قدم را برداشت و لبخندی لبریز از صمیمیت بر لب نشانند، مهربانی و صفا را با دستان خود به دست جوان تقدیم کرد، او ست که دل و دیده او را ربوده و برای همیشه صاحب اندیشه، افکار، گفتار و رفتار این نسل خواهد بود. یک مبلغ بصیر باید در این میدان گوی سبقت را از دیگران برآید و در همان سمت و سویی حرکت کند که این نسل نو، پرهیجان و تنوع‌طلب و با احساس حرکت می‌کنند و در بین آنان حضور محسوس داشته باشند.

جوان امروز انتظار دارد مبلغ دینی با استفاده از تفکرات ۴۰ سال پیش و استفاده از شیوه‌های خشک و بی‌روح مرتب او را مواخذه نکند و دین‌داری را با سخت‌گیری همراه نداند بلکه دین و خطوط قرمز و باید و نبایدها را با نگاه جامعه‌شناسانه و روانشناسان و در قالب‌های شیرین به او ارائه دهد. او از مبلغ و روحانی «رفاقت» می‌خواهد. دوست دارد او نیز مانند او «روان» سخن بگوید از کلمات زمخت و دشوار استفاده نکند و در سخنان خود مشکلات جامعه را تحلیل و بررسی کند نه اینکه بدون توجه به نیاز و درد آنان نسخه‌های آماده ارائه دهد.

او می‌خواهد که مبلغ دین به محض دیدن نوع لباس و سبک آرایش او به او نگاه ملحدانه و ملعونانه نکند بلکه به‌دوراز عوام‌زدگی و با شناخت روحیات، اندیشه‌ها و آرزوهای آنان به پر کردن خلأها و گسسته‌ای فرهنگی موجود بپردازد و از تمام پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل دین و فرهنگ خودی در جهت پرورش اصولی نسل جوان شایسته‌ترین استفاده را بکند. ما معتقدیم که این شیوه تبلیغ، روشن، شیرین و دست‌یافتنی است به شرطی که روش‌های تبلیغی را نوسازی کنیم و سعی کنیم مخاطبین جوان خود را به‌طور عمیق بشناسیم و بدانیم که نسل جوان امروز بسیار خوب می‌فهمند و حتی همیشه چندین قدم جلوتر از سن خود از حقایق آگاهی دارند.

اگر جوانان در طرف مقابلشان اندک تواضع دوستانه‌ای احساس کنند مطیع محض می‌شوند زیرا آن‌ها قبل از آنکه دنبال «آموزش» باشند به دنبال کسی هستند که آنان را به حساب آورد و به آن‌ها شخصیت دهد، سخنانشان را بشنود و حتی اگر راه و چاره‌ای نمی‌داند دست‌کم با آنان همدل و همراه بشود و با زبانی دوستانه راه گفتگو را برای همیشه باز نگه دارد. جامعه امروز را به‌خوبی بشناسد و سخنان خود را با برداشت دیروزی بیان نکند.

در دوران نوجوانی و جوانی توازن بین رشد عقل و احساسات به هم می‌خورد. جوان دستخوش احساسات تند و تمایلات پر شوری می‌شود که قضا حکیمانه الهی در جهت تأمین فعالیت و سعادت آنان در وجودشان نهاده است. بزرگترین مشکل مربیان در این دوران تعدیل و هدایت این پرشور است. بهترین راه برای مهار کردن احساسات استفاده از عواطف و احساسات نیرومندتر است. مبلغی که صاحب نگرشی نو

است علاوه بر اینکه معارف و ارزش‌های دینی را در قالب‌های نو، به‌روز و متنوع و مستدل همراه با هم‌زبانی و مهربانی ارائه می‌دهد با شناساندن جلوه‌های زیبا و لطیف زندگی اسوه‌های دین خصوصاً در برخوردهای آنان با جوانان، فرصت عشق‌ورزی آنان را با خداوند و آن نمادها و اسوه‌های فضایل فراهم می‌آورد. به‌یقین اگر جوانان امروز جامعه ما درست زیستن را بانو فهمی و شیرین‌زبانی بیاموزند مانند جوان دیروز که در جنبه‌های مقدس

حماسه آفریدند همچون اسماعیل «ذبیح عشق» می شوند و بسان یوسف مثل اعلای نفس ستیزی و دشمن گریزی و چون سرورشان سید شهیدان هستی، عاشق شهد شیرین شهادت و در زیبا نگری به حوادث زندگی همچون «زینب» می شوند.

### نتیجه گیری

نوگرای بدون آسیب رساندن به روح و روان انسان های دیگر می تواند دارای اثر مثبت و ثمرات عینی و ملموسی را در پی داشته باشد مقوله زیبایی یک امری فطری برای همه انسان ها است از این جهت است که انسان زیبای را دوست دارد و مبلغ باید راه های جدید را برای بروز نمودن پیام جستجو کند تا محتوای مورد نظر را برای مخاطبان ارسال نماید.

مخاطب امروز در هر لحظه با انبوه از اطلاعات مواجه است فقط به اطلاعات اهمیت می دهد که مستند و قابل درک و فهم و برایش مفید فایده باشد. دست اول بودند اطلاعات و کاربردی بودن آن نیز برای مخاطبان مهم است.

با توجه در شرایط کنونی با این ابزارهای پیام رسانی پیشرفته و رو بر شد و غول های رسانه ای دنیا به دست آوردن مخاطب جدید و نگه داشتن آن بسیار مشکل است به ویژه جذب مخاطب جوان و نگه داشتن آن بسیار مهم است زیرا رسانه های بیگانه از ابزارهای تبلیغات قوی رسانه ای برخوردار است و برای مبلغان باید توضیح داده شود که از ابزارها و اطلاعات آنلاین و بروز استفاده کنند تا بتوانند مخاطب جذب کنند همچنین حفظ و نگهداری مخاطب باید در این رویکرد مورد توجه قرار بگیرد.

## منابع و پی‌نوشت‌ها

- ۱- یوسف؛ ۱۰۸
  - ۲- (الکافی ج ۱؛ ۴۴)
  - ۳- دشتی، محمد، نهج البلاغه، نشر لاهیجی، چ دوم، ۱۳۸۰، ۵۲۵.
  - ۴- (حدید؛ ۱۶)
  - ۵- آمدی، تمیمی، غرالحکم، نشر، دار الکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ج ۱، ۳۷۲)
  - ۶- قمی، عباس، سفینه البحار، ۱۳۷۴، نشر آستان قدس رضوی، ۲۷.
  - ۷- شیخ صدوق، ابوجعفر، علل الشرایع، قم؛ مؤمنین، ۱۳۸۰، ۵۴
  - ۸- کلینی، محمد یعقوب، الکافی، نشر حوزه علمیه اسلامی، ۱۳۶۳، چاپ ۱
  - ۹- دشتی، همان؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷
- و به این منابع هم مراجعه شود
۱۰. احمد لقمانی، شیوه‌های جذب جوانان در تبلیغ، بهشت بینش، تابستان ۱۳۸۱، ۹ و ۸.
  ۱۱. همان؛ احمد لقمانی، ۸۱، ص ۳۰-۲۸.
  ۱۲. محمدعلی خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲، ص ۷۳-۳۷.
  ۱۳. سوره حدید، آیه ۱۶.
  ۱۴. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، هیئت نشر معارف اسلامی، ج ۱، فصل ۱۲ و ۱۳.
  ۱۵. البته امام (علیه السلام) در ادامه جواب دیگری را نیز می‌فرماید و آن اینکه حضرت یوسف (علیه السلام) زود بخشید چون حق خودش بود ولی حضرت یعقوب طلب بخشش را به تأخیر انداخت چون حق دیگری بود و باید در فرصت مناسب از خداوند طلب بخشش می‌کرد.
  ۱۶. سید احمد احمدی، روانشناسی نوجوان و جوان، انتشارات مشعل، اصفهان، ۱۳۸۲، ص ۶۷.

۱۷. همان منبع، ص ۶۸.
۱۸. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، نشر معارف اسلامی، ج ۱، ص ۳۴۲.
۱۹. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۸، ص ۹۳.
۲۰. نهج البلاغه، حکمت ۱۰/۲۰۷.
۲۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷، کلمه ۱۰۲.
۲۳. منظور از آداب و رسوم، روش های اجتماعی هر زمان است نه آداب و ارزش های ثابت اخلاقی.
۲۴. ابن ابی الحدید، همان منبع، ج ۱۹، ص ۲۰۹.